

بودار به ده دمه او ش سالک المنته واقع اوله ساعت ده دقیقه اول
 سه نك نورو نبي عاليه بکل کم برساعت اوز پش و دمه او تو
 هر دجه المني دقیقه اولور هر دقیقه المني ثانیه اولور
 هر ثانیه اولور هر ثانیه المني رابعه اولور کون
 اوز پش ساعت ده دمه اولور هر دمه دکلر و الله تعالى اعلم

۱۵	دو شب	ساعت	دقیقه
۲۷	۱۰	ساعت	دقیقه
۱۶	سه شب	ساعت	دقیقه
۱۸	۴	ساعت	دقیقه
۱۷	پنج شب	ساعت	دقیقه
۹	۱۰	روز	دقیقه
۱۱	جمعه	ساعت	دقیقه
۵۴	۳	شب	دقیقه
۱۹	شبه	ساعت	دقیقه
۲۲	۲	شب	دقیقه
۲۰	پنج شب	ساعت	دقیقه
۲۱	سه شب	ساعت	دقیقه
۲۱	روز	ساعت	دقیقه
۲۲	چهار شب	ساعت	دقیقه
۲۳	روز	ساعت	دقیقه
۲۴	پنج شب	ساعت	دقیقه
۲۴	جمعه	ساعت	دقیقه
۲۵	پنج شب	ساعت	دقیقه
۲۵	روز	ساعت	دقیقه
۲۶	دو شب	ساعت	دقیقه
۲۶	سه شب	ساعت	دقیقه
۲۷	چهار شب	ساعت	دقیقه
۲۸	روز	ساعت	دقیقه

فصل نوردن سلطنت بکاکرم در آیه یکده در نقطه قاضی ساله
 این سه بوند نوردن سلطنت او ش سالک بر این نردن و وضع اول نمان
 دوه شب و ساعت ده دقیقه او ش بک نوردن و غفلت او نمان
 و الله تعالى اعلم **فصل نوردن نامه** قولین کنه لوه غابت لازم
 که سالک قاضی بک مراد ایله طریقی بود که سالیان یلان
 چه اوله ۹۸۸ در برسی او چله چه اوله ۹۹۰ در برسی پش
 چه اوله ۹۹۱ در برسی پش چه اوله ۹۹۲ در برسی انچه چه اوله
 ۹۹۳ در برسی پش چه اوله ۹۹۴ در برسی سکنه چه اوله ۹۹۵
 در برسی طغوز پش چه اوله ۹۹۶ در برسی او پش چه اوله ۹۹۷ در برسی
 بو تریب اوزده هجرت نبویه در بر مراد لکن فی سالیان بک ایسه
 اکا و اینچه صلی برسی مثلاً بک پش سنه نك سالیان صر
 بو تریب اوزده صلیسه ۱۸ ساله دارو ریب الیغ سنه نك ۱۹
 دارو ساله بک پش سنه نك پش سنه ۲ ساله دارو بک سکنه ۲
 لیک ساله دارو بک اوز ۲ ساله دارو بک پش سنه ۳ ساله دارو بک سکنه ۳
 اوزده دور اولونه معلوم اولور و السلام اما هفتنه صرخی بک لک و لک
 روز نامه و این سه اوله ۱۹ ساله بک پش ۲۰ ساله ۱۰۰۱ در برسی
 ۲۱ ساله ۱۰۰۲ در برسی ۲۲ ساله ۱۰۰۳ در برسی ۲۳ ساله ۱۰۰۴ در برسی
 ۲۴ ساله ۱۰۰۵ در برسی ۲۵ ساله ۱۰۰۶ در برسی انک انسه و او هر ن
 باز لکند معلوم اولور بک لک لک سنه ده هفتنه هر ن و او پش
 ابدی وجه منور و اوزده دور ابدی مراد فی سنه نك هفتنه هر ن
 ایسه بک نوردن ۲۶ ساله ۱۰۰۷ در برسی انک انسه هر ن با ن لک
 ۲۷ ساله ۱۰۰۸ در برسی انسه هر ن و اوزده دور ابدی معلوم
 اولور و السلام و الله تعالى اعلم بالصواب **بیت**
 آذ و نیا ن و اباد ایل او نه در بر بر بهار

پس هر بره و نمودن و آب در ضیف آشکار
 بعد ایل لیک انسه بر این ایه کون آید
 هم ایله کانون نیما طبله شادان یوقرا
 سالک اختیار اولسه سال اوله بک طغوز دیومند ابد و بک سال هجرت کلمه
 صاحب اوله هر ن مختلف اینتر غفلت او انیمه قائمه اوله انچه ساله